

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

۲۴ آگست، ۲۰۲۲

ملالی موسی نظام

موقف زنان افغان در عصر امارت اسلامی طالبان

مصاحبه رادیویی صدای امریکا با ملالی نظام

یکشنبه ۱۴ آگست - ۲۰۲۲

سوال عمده ای که به مناسبت سالگرد اشغال کشور ذریعه لشکر پراکنده گروه های مختلفه طالبان توسط «رادیوی آشنا» در یکی از پروگرام های فعال که از جانب صدای امریکا مقیم واشنگتن دی سی پخش میگردد، مطرح گردید، در مورد اوضاع کنونی زنان و دختران در افغانستان بود. درین پروگرام چهار نفر خانم های افغان از نقاط مختلفه به السنه ملی دری و پشتو اشتراک داشتند. اینک عرایض مختصر این جانب مطابق سوالات مطرح شده در مورد احوال زنان در شرایط حاد و مقید اجتماع امروزی:

موقف زنان و دختران افغان که مثل همیشه به منزله سنگ زیرین آسیاب زیر فشارهای گوناگون و درد آلود بوده اند، درین ۴۳ سال اخیر در مجموع سیر قهقرایی گوناگونی را پیموده است. در تغییرات یکسال اخیر و حکمروایی طالبان متعصب هم که با اساسات و شرایط اسلامی از هر نگاه فاصله زیادی دارد، عملاً در تنگنای جهل و بیخردی مفرط از حقوق و مزایای حقه آنان سخت جلوگیری به عمل می آید.

درین احوال، نه تنها حق کار و امرار معاش از زن و دختر افغان گرفته شده است، بلکه دختران مظلوم کشور از تعلیمات متوسطه و عالی لیسه ها هم اکیداً محروم گردیده اند.

دریکسال اخیر با جنجال های پنهان و آشکارای دولت طالبی بین اولیای امور آنها، سخت ترین صدمه ای رامثل همیشه باز هم زن و دختر افغان متحمل میگردند و در پهلوی قیود غیر انسانی، فقر و خانه نشینی فشار دیگری است که بر آنان نازل گردیده است.

موضوع مهم دیگری مسئله عجیب باز بودن صنوف پوهنتون بروی دختران افغان و مسدود بودن قسمت تعلیمات متوسطه و لیسه در مکاتب است که به بهانه تنظیم شرایط «؟!» یونیفورم های دختران، درین یکسال بر قشر جوان اناث افغانستان جبراً تحمیل گردیده است.

مشاهده گردید که در آغاز سال تعلیمی معارف، دختران جوان مکاتب به همراهی اطفال صنوف ابتدایی با خوشحالی و با وقفه در حدود هفت ماه نظر به اعلامیه طالبان راهی مکاتب خویش گردیدند، ولی هیئات که سرخورده و نا امید از عقب در های بسته با چشم گریان، دوباره عازم منازل خویش گردیده و با غم و غصه فراوان تا آآن با وعده های سرخرمن غیر قابل باور سر میکنند!! گفته میشود که علت این تصمیم گیری های ضد و نقیض، موجودیت اختلاف نظر های غیر معقولیست که در بین اعضای دولت طالبی موجود و رو به تزیاید میباشد که یکی آن همین حادثه غم انگیز روز آغاز رسمی دروس صنوف بالا تر در مکاتب و لیسه ها در ماه حمل گذشته بود که دروازه های مراکز تعلیمی بروی شاگردان معارف مسدود گردید که البته نهایت غیر معقول و ظالمانه بود.

طالبان در مورد نحوه تحمیل قیود و مقررات بر زنان و دختران، موفق نگردیده اند که اثباتی در قرآن و یا احکام شریعت محمدی، پیشکش ملت افغانستان یا جامعه اسلامی بین المللی بنمایند، بلکه در حقیقت همه تعلیمات خاص اسلامی را علنی و با شتارت زیر پا می گذارند.

اگر با بیست سال فساد اداری، چپاول دارایی های عامه و سرمایه های بازسازی، قدرتمندی دایمی تنظیم های جهادی، رژیم می توانست آنهمه بدبختی ها را پاک کاری نماید، ملت از آن استقبال مینمود، با انکشافات اقتصادی و اجتماعی سالم و مصرف پول های باد آورده و کمک های خارجی، افغانستان خود کفا گردیده و از احتیاجات همسایگان و مداخلات بیگانگان فارغ میشد، شاید امروز تصویر دیگری از کشور ما موجود میبود که مهمترین قسمت عدم وجود فقر و مسکنتیست که دامنگیر اکثریت گردیده است!

ولی با شرایط سختی که امروز در جامعه از عدم وجود قانونیت، سپردن کار به اهل کار، و فشار بر مردم مظلوم، خصوصاً طبقه اناث، منع کمک های خارجی و فقر گسترده حکمفرماست، نمیتوان به آینده افغانستان امیدوار بود.

یکی از موضوعات مهمی که کمتر توجه به آن معطوف گردیده است، همانا اوضاع نا به سامان و نا ملایمات روحی و روانی است که بر اجتماع افغانی در مجموع و بر زنان افغان بصورت خاص نازل گردیده است. نیمی از نفوس افغانستان امروز از پیشبرد ماشین اقتصاد خانواده، آزادی های

اجتماعی در زمینه های کار و تحصیل محروم گردیده اند؛ فشار چنین ناتوانی عظیمی بر روان و حالات روحی این طبقه اثرات منفی و خطرناکی را سبب می‌گردد که کمتر از آن سخن گفته میشود. زن و دختر افغان با خانه نشینی اجباری، نه تنها با فقر و مشکل اقتصادی روز افزون مواجه هستند، بلکه عدم وجود آزادی اجتماعی آنان را مغموم و بیچاره ساخته است.

فشار جامعه جهانی و ملل متحد در مورد تغییر موقف زنان از جانب طالبان در افغانستان، تا بحال به جایی نرسیده است، در حقیقت مهمترین شرطی در برسمیت شناختن دولت طالبان همین معضله آزادی های اجتماعی، حق تحصیل و کار برای طبقه اناث افغانستان می باشد؛ چنانچه چند روز قبل هم درین زمینه جامعه اروپایی مجلسی دایر نمود که نتیجه عملی ای بار نیاورده است.

در نتیجه، بعد از سپری شدن یکسال و وعده های فریبنده، دولت طالبی برای ملت افغانستان نه کدام مرجع قانونیتی که جامعه را به سمت رفاه و آسایش رهنمون گردد، سراغ توانسته و نه در بین ملت نا امید و سرگردان مشروعیتی را کسب نموده است. اقلأ آنچه را در ابتداء در مورد آزادی کار و تحصیل طبقه اناث وعده نمودند، باید وفا گردیده و عملی می نمودند.

در جوامع بشری همیشه مبارزات سالم که برای بدست آوردن حقوق مردمان باشد، دیر یا زود به نتیجه مثبتی نایل میگردد که در مورد حقوق حقه زنان افغان هم اگر در داخل با شرایط فعلی عملاً امکانات محدود می باشد، باید صدای در گلو خفته زنان افغان از خارج منحصیث گروپ های فشار از سرتاسر جهان فعال باشد.

پایان